

شکل گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری،

نمونه موردی محور شهید چمران شیراز

نویسندگان

علی سلطانی<sup>1\*</sup>، ابراهیم زرگری مرندی<sup>2</sup>، احمد علی نامداریان<sup>3</sup>

<sup>1</sup>استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز.

<sup>2</sup>پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

<sup>3</sup>کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اصفهان.

فعالیت پذیری و تنوع کارکردها و قابلیت و شرایط بهبود محدوده در آینده در جهت افزایش سرزندگی شهری بوده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حوزه های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی بوده و همین امر، اهمیت برنامه ریزی در جهت ارتقای فعالیت های تفریحی و اجتماعی را دوچندان می کند. در واقع، برنامه ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل گیری فعالیت های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط های شهری گردد.

**کلیدواژه ها: فضای شهری، خاطرات جمعی، سیمای محیط، سرزندگی، شیراز.**

## شکل گیری، تقویت و مانایی خاطره در

### فضاهای شهری،

#### نمونه موردی محور شهید چمران شیراز

##### چکیده

زندگی هر روزه شهروندان، گستره ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فعالیت ها در قالبی از فضاهای ساخته شده است. آشناپنداری شهروندان با محل سکونتش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت ها و فضاها است. هدف این مقاله پرداختن به بررسی رابطه ی بین انباشت خاطره و فرهنگ بر کیفیت ادراک، تصویر ذهنی و سرزندگی شهروندان است تا از این گذر، بتوان مدیران، برنامه ریزان، طراحان و سیاست گزاران شهری را در جهت بهبود ارتباط شهروندان با محیط سکونتی آن ها و نیز افزایش سرزندگی محیط های شهری از طریق مشارکت دادن کاربران فضا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه های آتی یاری نمود. در این تحقیق، محور چمران در شهر شیراز به عنوان محدوده مطالعاتی برگزیده شده و نظرات کاربران در خصوص عوامل محیطی موثر بر خاطره انگیزی در قالب پرسشنامه جمع آوری و تحلیل گردیده است. انتخاب محور چمران به دلیل اهمیت آن در حفظ و تقویت بخشی از هویت و حیات شهری کنونی و آینده کلانشهر شیراز، پویایی،

معنا در قالب زندگی هرروزه می داند و می توان گفت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در بستر محیط شهری ناشی از تلفیق کیفیات گوناگون است ( Sternberg, 2000) لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام شهری مرتبط می شود. (گلکار، 74،1386)

در این راستا، سوالاتی که مطرح می شود این است که انباشت خاطره و فرهنگ چگونه بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنان اثر می گذارد و دوم اینکه مدیران، برنامه ریزان، طراحان و سیاست گزاران شهری برای بهبود ارتباط شهروندان و محیط سکونت آن ها و افزایش سرزندگی محیط های شهری بایستی چه ابعادی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و چگونه از مشارکت کاربران فضا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه های آتی و حفظ ارزش های موجود بهره مند شوند.

## 2. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی برای نیل به اهداف و پاسخ به سوالات تحقیق بهره برداری شده است. در ابتدا با مطالعه متون مرتبط با هدف پژوهش، ابعاد و معیارهای لازم برای بررسی تاثیرات متقابل کیفیت

## 1. مقدمه

محیط، اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش های فرهنگی جامعه است، می تواند در احساس هویت یا بی هویتی تاثیرگذار باشد. (حبیب و دیگران، 1387: 14) محیط شهری برای ساکن آن نقش طرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره های شهرنشینان و عامل زمان موجب ایجاد خوانش های متفاوت و پژوهش های گسترده در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه های جدید در متن شهر و تعامل نسل های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این همنشینی گفته ویلیام فالکنر را به یاد می آورد که "گذشته هیچ گاه نمرده است، در حقیقت حتی سپری نشده است." به دلیل همین ارتباطات است که گرایش ها به سمت برنامه ریزی در جهت افزایش سرزندگی محیط های شهری با نظر به هویت و میراث خاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری با رویکردی مشارکتی است.

پیوستگی و تداوم حیات شهری همواره در اندرکنشی با سرزندگی حیات هر روزه پدید می آید. چنانکه هانری لفرور در کتاب تولید فضا (Lefebvre, 1991) غنا و پویایی محیط های شهری را وابسته به تجمع هویت و

در سکونتگاه و نوعی در آن جا بودن مداوم است. خوانشی که شهر-خاطره را همچون تصویری دنباله دار و چون متنی که در طول زمان و در طی توسعه های متمادی همچنان در حال نوشته شدن است، در ذهن می آورد.

ویکتور هوگو در "نتردام پاریس" شهر را کتابی سنگی می خواند. والتر بنیامین (Benjamin, 1999) شهر را کتابی حماسی می داند که حاصل به خاطر سپاری های انسان پرسه زن (Flaneur) در شهر است. با این خوانش است که شهر را چون لایه های متعدد دیرینه شناسانه در مقابل دیدگان شهرنشین قرار می دهد. منظری هزارتو که اثراتی از حیات، فرهنگ، سنت ها و وقایع پیشین در آن حفظ شده است.

مامفورد (Mumford, 1981) بر ارتباط میان زمان و فضای شهری تاکید می کند. شهرهایی که محصول زمان بوده و چون قالب هایی هستند که حیات متمادی انسان در آن ها منجمد می شود. در این میان نه تنها یادبودها و ساختمان ها، بلکه قطعات رفتارهای اجتماعی، سنت ها و رسومات و فعالیت های شاخص نیز می توانند در محیط شهری باقی مانده و مشاهده شوند. آلدو

سرزندگی و ارتباط کاربران با محیط های شهری استخراج شده و خاطره پذیری، سرزندگی و کیفیت محیط در یک مدل مکانی با سه مولفه کالبد، فعالیت و معنا مورد سنجش قرار گرفته اند. در این راستا از دو روش مشاهده مستقیم جهت شناخت عناصر و ابعاد مختلف محیط و تنظیم معیارها و مشاهده غیرمستقیم (پرسشنامه) و تحلیل پاسخ های کاربران برای تعیین عوامل موثر بر سرزندگی، کیفیت و مطلوبیت محور گردشگری- فراغتی جمران شهر شیراز با تاکید بر نقش هویت و خاطره استفاده شده است.

### 3. انگاره های نظری

#### 1.3. تداوم گذشته در شهر امروز

زندگی هر روزه (Everyday-Life) ساکنان شهر گستره ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فعالیت ها در قالبی از فضاهای ساخته شده است. آشناپنداری شهرنشین با محل سکونتش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت ها و فضاها است. این فرآیند آشناپنداری در شهرنشین به دلیل ارتباط او با سکونتش در قالب خاطره سازی و ایجاد نوعی هویت براساس خوانش او از ریشه دار بودن اقامت

آخرین آن‌ها است. بیان‌کنندگی این استعاره در زمینه طرح حیات گذشته و حال در کنار هم و رازگونگی تصور متن گذشته شهر از روی آثار به یادگار مانده و نه مشاهده کامل آن موجب استفاده واژه پالیمسست در ادبیات مرتبط با حیات خاطره و فرهنگ در شهر و نوع خوانش آن شد. ویژگی چند لایه ای توسعه شهر در قرون متمادی و حذف‌ها و اضافات که به کاوشگر اجازه خوانش شهر را به عنوان ترکیبی از قصه‌های بیشمار می‌دهد. مانایی گذشته در ریخت‌امروزی شهر می‌تواند خود را به صورت تباین شدید و آشوبی گیج‌کننده نمایان کند که در عین حال به صورت اجزای یک تصویر هماهنگ و واجد هارمونی با کل ظاهر می‌شود. (Busa, 2010: 159)

### 2.3. سیاست‌های شهری در زمینه هویت و خاطرات

#### شهری

مساله جهت‌دهی به خاطرات جمعی (Collective Memory) از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در راستای سیاست‌های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطره، فرهنگ، هویت و

روسی (Rossi, 1984) نیز شهر را بایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند.

بخشی از متون مرتبط با بحث خوانش شهر-خاطره پس از بحث ژاک دریدا در زمینه پارادوکس دوگانه‌های حضور-غیاب و گذشته-حال با ابداع نو-واژه "هانتولوژی" (Hauntology) در مقابل "هستی‌شناسی" (Ontology) به حضور شبح‌وار گذشته و حیات آن در حال می‌پردازد. (Derrida, 1994: 10) این جهت‌گیری به تفسیر تاریخ با شکستن دوگانگی‌های مذکور موجب توجه مجدد به استعاره "پالیمسست رومی" فروید (Freud, 1989) شد. لغت یونانی "پالیمسست" متشکل از دو بخش "پالیم" (Palim) به معنای مجدد و "سستوس" (Psestos) به معنای ساییدن و پاک کردن است و به معنای ساییدن و پاک کردن متن موجود روی پاپیروس و نوشتن متن جدید روی آن است، در حین این که اثر نوشته‌های پیشین در آن نمایان باشد. فروید این استعاره را در اشاره به شباهت میان ساخت لایه ای شهر و روان بشر به کار برد و مقصود او از این واژه ادامه حیات تمامی مراحل اولیه توسعه در کنار

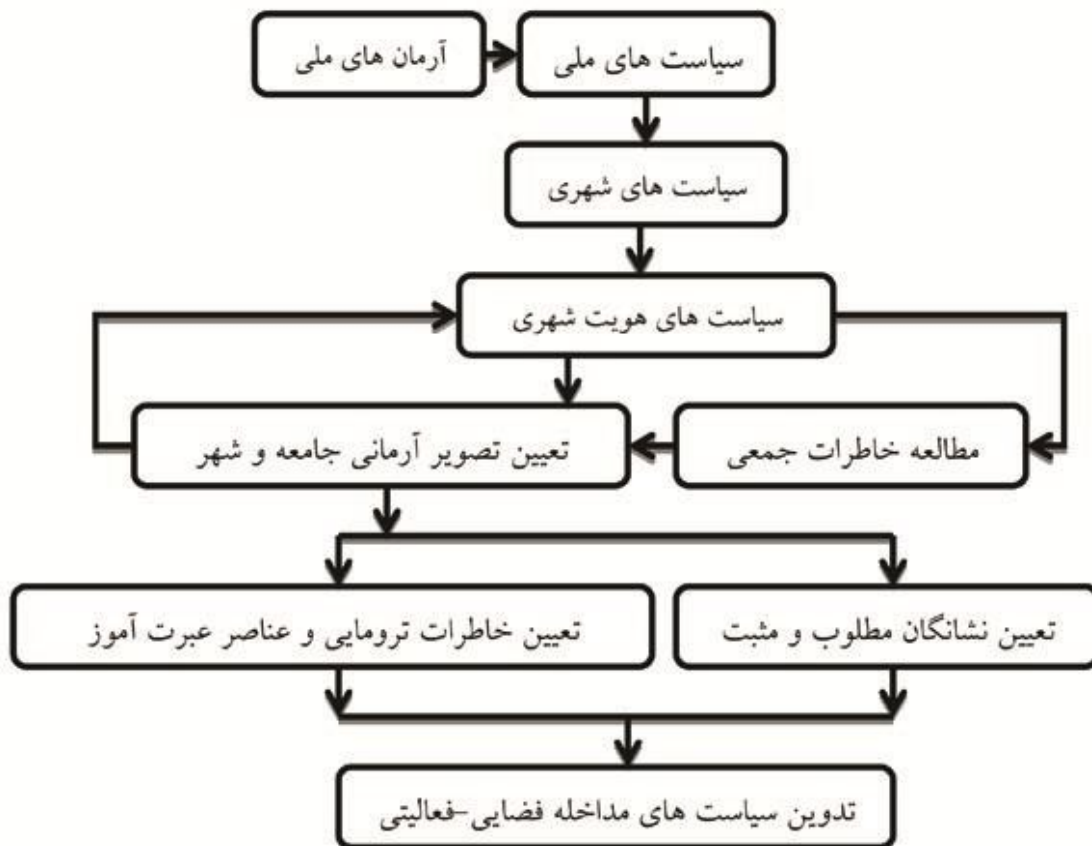
می گذارد. چرا که خاطره در شهر یک رونوشت از پیشامدهای گذشته نبوده و در یک استعاره پالیمستی ساز و کار تفسیر، خوانش و انتخاب است. (Busa, 2010: 159) بررسی تعامل شهر در ارتباط با گذشته اش برای ساخت هویت شهری ضروری است و می توان گفت خاطره حاصل دستکاری گذشته از طریق فرآیند انتخاب است. (Huysen, 1997: 58)

در سیاست های شهری، راهبردهای هویت سازی و دستکاری حافظه جمعی از جمله ایجاد مکان، منظره سازی، بازاریابی شهر و اقدامات فستیوالی از طریق فرآیند سیاستگذاری و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه های آن و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمده کالبدی نشانه های بارز که خوانش واقعه را ممکن می سازند، صورت می پذیرد (تصویر 1).

زندگی هر روزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (میرمقتدایی، 1388)، دستکاری و سیاست های گزینش خاطرات جمعی (Huysen, 1997 & 2003, Ladd, 1997).

جهانی شدن و محور یکتایی خاطرات شهرها (Assmann and Conrad, 2010) و تعیین هویت تاریخی و فرآیند ایجاد هویت ایده آل (Crisson, 2005) که نه به طور جداگانه، بلکه با ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهشگران حوزه های جامعه شناسی، سیاست، برنامه ریزی، معماری، تاریخ، فلسفه و فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته اند.

می توان اذعان داشت که روش دیالوگ شهر و خاطرات بر تمامی ابعاد زمانی شهر پرتو می افکند. تفسیر شهر و شهرنشینان از گذشته ناگزیر بر چشم انداز آینده شهر تاثیر



میزان زیادی از حافظه شهری همراه است اما همین امر می تواند باعث پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران بشود. هم اکنون وسواسی جهانی در زمینه تجلیل از خاطرات شهری همسو با ایده آل های حال حاضر جوامع و یادبودگرایی و در عین حال تحریف خاطرات شوک آور وجود دارد (Huysen, 2003). این شکل از رهیافت های منتهی به حذف یا ابداع مجدد فضا، کالبد و فعالیت سابقه ای طولانی تر از مطالعات مطرح شده دارند. به عنوان مثال تلاش ناموفق پروژه

ت 1. فرآیند تدوین سیاست های خاطره شهری

(نگارندگان)

ایجاد تاترهای خاطره با شاخص سازی بخش های به خصوص و حذف یا پنهان کردن بخش های نامطلوب به لحاظ اهداف سیاستگذاران با وجود این که تاریخی تحریف شده و سوال برانگیز ایجاد می کند که با حذف

### 3.3. تبیین مولفه های ارتقای سرزندگی محیط های

#### شهری با تاکید بر هویت، فرهنگ و خاطره شهری

همانطور که پیشتر ذکر شد، سرزندگی محیط شهری کیفیتی است که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان است و این ارتباط دائمی در قالب انباشت تجربیات شهری جزئی از فرآیند تشکیل مکان و ایجاد حس تعلق به محیط های شهری است. (Sime, 1995) می توان اظهار داشت که سرزندگی پدیداری اجتماعی - فضایی است که در تعامل شهر و شهروند شکل می گیرد. این کیفیت محصولی نیست که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد، بلکه سرزندگی را باید فرآیندی از آفرینش مستمر محسوب کنیم که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدابیری از سنخ برنامه ریزی و مدیریت راهبردی هستیم. (گلکار، 1386، 73)

کوین لینچ سرزندگی را درجه مطلوبیت و حمایت سکونتگاه از عملکردهای حیاتی، لوازم زیستی و ظرفیت و گنجایش زندگی انسانی تعریف نموده و پنج مولفه ثبات، هم آوایی، ایمنی، سود و لذا را حمایت و نگهداری را به عنوان ارکان سرزندگی ذکر می کند. (Lynch, 1984: 118-124) رویکرد لینچ در زمینه سرزندگی، عمدتاً موضوع زیست پذیری فضا با تامین امکانات حیاتی را مدنظر قرار می دهد. اما در رویکردهای

"شهرستان پهلوی" در دهه 1340-1350 برای تغییر نقش اقتصاد بافت سنتی بازار به منطقه ای برای گردشگران و پرتاب آن از زمان حال به گذشته ای دور و ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری در اراضی عباس آباد که می بایست با تصویری که محمدرضا پهلوی از پایتخت قرن بیست و یکم برای خود ساخته بود مطابقت داشته باشد. همین باعث دخالت ناگهانی او در سیاست های شهری شد. (ورکاد، 1375: 236) و یا در کتاب "خاطره شهری" (Crimson, 2005) اشاره به شهرهایی می شود که پیش از این سایت های صنعتی پیشتاز و مراکز فرهنگ مدرن بوده اند و هم اکنون در طی روند صنعتی زدایی به دنبال ابداع مجدد هویت و ایجاد نوستالژی دوره رونق صنعتی خود در قالب تئاترهای خاطره هستند. نمونه های مهم دیگر در زمینه این مداخلات مساله حذف و تغییر تصویر و خاطرات نامطلوب ناشی از یک واقعه ناگوار همچون مورد نیویورک (Huysen, 2003) و یا تغییرات ایجاد شده در نشانه های مرتبط با دوران جدایی آلمان شرقی و غربی در شهر برلین و تلاش در جهت ایجاد هویت شهری جدید در جامعه پس از اتحاد مجدد آلمان است. (Huysen, 1997)



(مفهوم) را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت و خاطره جمعی در طرح های توسعه معرفی می کند. وضعیت کالبدی بعنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می شود و معنا به عنوان علت واقع شدن این فعالیت ها معرفی می شود که تغییر هر یک از این ها بر دیگر ابعاد موثر است و برنامه ها و طرح های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند. (Ibid: 155-160)

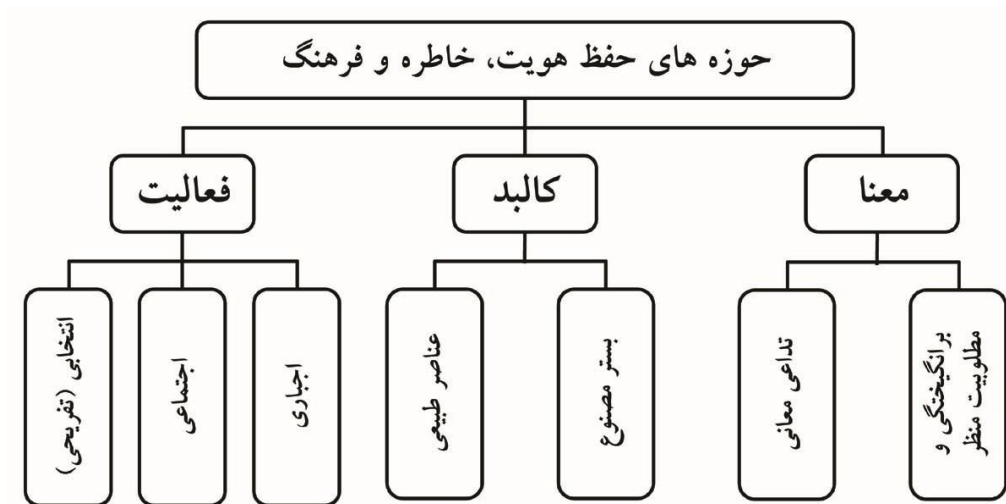
در اینجا با استفاده از پژوهش های مونتهگمری (Montgomery, 1998&2003)، سیم (Sime, 1995)، استرنبرگ (Sternberg, 2000)، بالساس (Balsas, 2009)، گیل (Gehl, 1987)، اودانل (O'donnell, 2008)، سلطانی و نامداریان (1389)، خستو و سعیدی رضوانی (1389) و لطفی (1390) که به تبیین معیارهای هر سه یا برخی از این حوزه های اصلی پرداخته اند به تبیین معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده است (تصویر 2).

نوین آفرینش کیفیت سرزندگی در شهر، نقش مشارکت شهروندان نقشی جوهری است و تعمیق تجربه حسی شهروندان از محیط های شهری و امکان مداخله و مشخص کردن فضاها، که از آن به ایجاد «رنگ تعلق» نام برده می شود از گام های اساسی در این مورد است. (گلکار، 1386، 74)

برای ارتقای این ارتباط، قدم اول تلفیق مطالعات و پژوهش های حوزه فرهنگ هویت و خاطره شهری با فرآیندهای برنامه ریزی است. (Hurley, 2010: 196) در این راستا برای ایجاد چارچوبی مشارکتی، ابتدا بایستی مولفه های اصلی موثر در سرزندگی محیط شهری با رویکرد هویت و خاطره و معیارهای آن ها تبیین شود.

در مرحله دوم، این ابعاد در محیط شهری هدف با توجه به مولفه ها و معیارهای استخراج شده، مورد مطالعه قرار گرفته و در گام بعدی روشن شدن دقیق ارتباط شهروندان و محیط از طریق پرسشنامه و ابزارهای تحلیل پاسخ ها، خط راهنمای اقدامات آینده در جهت افزایش سرزندگی هویت و خاطره مبنا برای برنامه ریزان و طراحان شهری نتیجه مطالعه خواهد بود.

یکی از تاثیرگذارترین پژوهش ها در راستای تعیین مولفه های ارتباط شهروندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» «کانتر» (Canter, 1977) است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مولفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا



تحریک بصری و توجه به جزئیات، جداره های فعال  
خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری پرداخته شود.

تصویر 2. مدل استخراجی برای مطالعه حوزه های شکل

گیری و حفظ هویت، خاطره و فرهنگ (نگارندگان)

گل (Gehl, 1987)، فعالیت های شهری را به سه دسته  
عمده فعالیت های انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری  
دسته بندی می کند. فعالیت های اجباری از قبیل  
کارکردهای شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند  
و دیگر عملکردهایی که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند.

فعالیت اجتماعی مانند ملاقات دوستان، شرکت در  
فستیوال ها، جشن ها، نمایش ها و یا مناسبت های مهم  
محلی یا ملی، پیاده روی ها و یا تجمعات گروهی،  
اجتماعات خانوادگی، شرکت در مراسم مذهبی و انواع  
دیگر تعاملات اجتماعی و فعالیت های تفریحی (انتخابی)

در شناخت خصوصیات کالبدی بایستی وضعیت عوامل  
طبیعی و بستر مصنوع مورد توجه قرار گیرد. مشخصات  
طبیعی از قبیل عنصر آب طبیعی، نهر، رودخانه یا دریاچه  
پهنه های سبز (باغات یا جنگل)، ارتفاعات و هرگونه  
عنصر مهم یا نشانه طبیعی اشاره کرد. در مطالعه  
خصوصیات کالبدی بستر مصنوع بایستی به بررسی نفوذ  
پذیری، ریزدانه‌گی، تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه  
ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر  
آب، المان های معماری به عنوان تصویر، نشانه ها،

وجود عرصه های عمومی و کاربری های فراغتی موجب شده تا این محور نقش فراغتی - گردشگری به خود بگیرد و به یکی از پویاترین و شناخته شده ترین محیط های شهری شیراز بدل می شود.

هم اکنون براساس طرح های فرادست، محور چمران به عنوان محدوده ویژه گردشگری چمران مطرح است و در این راستا گرایشات مدیریت شهری به سمت ساماندهی این مسیر در جهت ارتقای کیفیت و کاهش عوامل مزاحم در قالب طرح های موضعی و موضوعی در آینده محور چمران است. انتخاب محور چمران به عنوان محدوده مطالعه نیز به علت اهمیت آن در حفظ و تقویت هویت شهری کنونی و آینده کلانشهر شیراز، پویایی، فعالیت پذیری و تنوع کارکردها و قابلیت و شرایط بهبود محدوده در آینده در جهت افزایش سرزندگی شهری بوده است.

#### 2.4. روش تحقیق (داده ها، ابزارها و روش ها)

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش، ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای حوزه ها، ابعاد و معیارهای عمومی حفظ هویت، خاطره و فرهنگ و جهت افزایش سرزندگی محیط های شهری استخراج شد. سپس با مطالعه مستقیم محدوده توسط نگارندگان، معیارهای عمومی مستخرج از منابع، برای بررسی از طریق پرسشنامه تنظیم شدند. در این راستا، براساس همگونگی خصوصیات کالبدی، فعالیتی و معنایی، محدوده مورد

مانند ورزش یا بازی، خلوت کردن یا قدم زدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربری ها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیت های فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی.

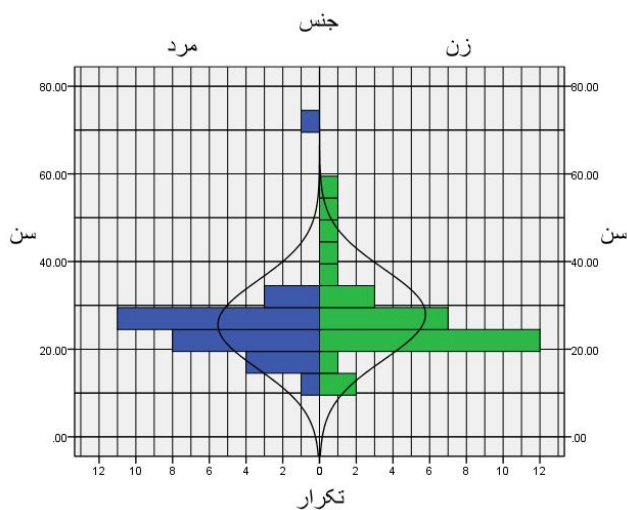
مؤلفه معنا نیز به دو دسته تداعی معانی و برانگیختگی دسته بندی می شود. برانگیختگی عمدتاً متمرکز بر اثر مؤلفه کالبدی بر احساس کاربران نسبت به فضا و محیط است و شامل نشانه های شهری، بناهای شاخص، طراحی و سبک و عواملی از این قبیل است و تداعی معانی وابسته به حس تاریخ و پیشرفت ارتباط خاطره ای و عناصر هویت ساز و یا تصویر، فعالیت ها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می شود (سلطانی و نامداریان، 1390).

#### 4. روش شناسی تحقیق

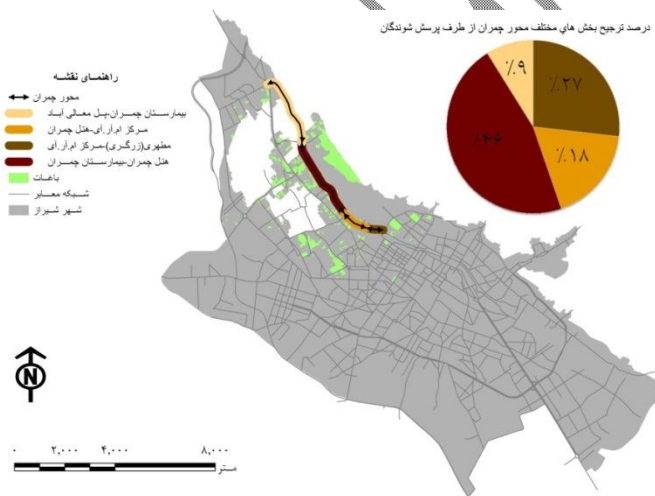
#### 1.4. محدوده مورد مطالعه تحقیق

محور چمران با طول بیش از 7 کیلومتر در شمال غربی شهر شیراز در دهه 1380 به صورت بلوار با عرض 42 متر و به عنوان محور عبوری اصلی ایجاد شد. اهمیت چمران از آن روی است که بافت مرکزی شهر شیراز را به توسعه های جدید شهر شیراز (شهرک گلستان و محدوده معالی آباد) متصل می کند. باغات مجاور، رودخانه خشک شیراز، ارتفاعات حاشیه ای، طراحی لبه های شمالی و

دهد. با توجه به تصویر شماره (5) مشخص می شود که 46 درصد از پرسش شوندهگان در هفته حداقل یکبار به این مسیر مراجعه می کنند و همین آمار نشان دهنده اهمیت بالای این محدوده در شهر شیراز است.



تصویر 3. هرم سنی پرسش شوندهگان به تفکیک جنسیت



تصویر 4. موقعیت محدوده مطالعه در کلانشهر شیراز و

اهمیت بخش های مختلف آن از نظر کاربران فضا

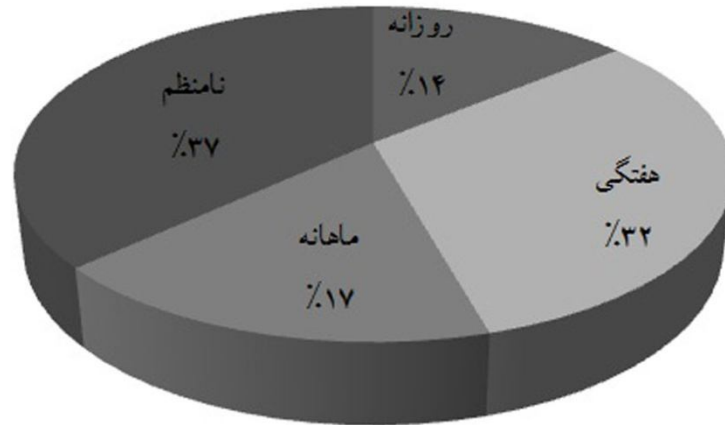
مطالعه به چهاربخش پل مطهری (زرگری) تا مرکز MRI، مرکز MRI تا هتل چمران، هتل تا بیمارستان چمران و بیمارستان تا پل معالی آباد تقسیم بندی شده و پرسش نامه با هدف بررسی میزان اهمیت و تاثیر حوزه ها و زیرحوزه های هویت، خاطره و فرهنگ بر میزان سرزندگی محور چمران از نظر کاربران محیط و شهروندان و پیشنهادات آنان در جهت ارتقای سرزندگی محور و امکان تداوم هویت آن در اقدامات و مداخلات آینده مورد تحلیل قرار گرفتند. حجم نمونه مورد پرسش در این پژوهش 60 نفر است و سعی بر این بوده تا نمونه گیری (پرسش نامه ها) در روز و شب در بخش های گوناگون محور انجام گیرد تا بازتاب دهنده نظر کاربران محور چمران باشد.

## 5. یافته های پژوهش

### 1.5. اهمیت عناصر موجود در خاطره انگیزی فضا

#### از دید کاربران

بر طبق اطلاعات بدست آمده از پرسش نامه ها، اکثریت کاربران محور چمران (66 درصد) در بازه سنی 20 تا 30 سال قرار دارند. وضعیت سنی کاربران مورد پرسش از محور چمران (محدوده مطالعه) در تصویر شماره (3) نمایش داده شده است. تصویر شماره (4) مطلوبیت و اهمیت بخش های مختلف محور چمران از نظر کاربران را نمایش می



موجود در محور چمران به عنوان مهمترین حوزه هویت بخش و مولد سرزندگی از نظر کاربران شناسایی شده اند

تصویر 5. میزان مراجعه کاربران به محور چمران

و حوزه های معنا و کالبد در درجه بعدی قرار گرفته اند. (تصویر 6).

حوزه ها، زیر حوزه ها و شاخص های حفظ هویت، خاطره و فرهنگ در سرزندگی محور چمران که با مشاهده مستقیم توسط نگارندگان استخراج و اهمیت آن ها از نظر پرسش شوندگان از طریق تحلیل پرسش نامه ها بدست آمده است.

جدول 1: حوزه ها و معیارهای شکل گیری و حفظ هویت و خاطره و اولویت آن ها از نظر کاربران در محور چمران

با توجه به نتایج ارایه شده در جدول شماره 1 مشاهده می شود که از نظر کاربران فعالیت های انتخابی (تفریحی) (27/53 درصد) مهمترین عامل سرزندگی و عنصر اصلی هویت بخش و خاطره ساز محور چمران بوده و پس از آن زیر حوزه های بستر مصنوع، عوامل تداعی کننده معانی، برانگیختگی کیفیت بستر طبیعی، فعالیت های اجتماعی و فعالیت های اجباری در رتبه های بعدی اهمیت قرار می گیرند. به این ترتیب حوزه فعالیت های

درصد	شاخص‌ها	زیر حوزه‌ها	حوزه‌های حفظ خاطره و فرهنگ
۲۷,۵۳	ورزش-بازی کودکان-خلوت کردن-قدم زدن-نشستن-قلیان کشیدن- خوردن آش در شب‌های زمستان- تفریحات شب‌های تابستان- ماشین گردی- شست و شوی ماشین- تماشای مردم-مکان سوم (رستوران، کافه و ...)	انتخابی	فعالیت
۱۰,۷۳	ملاقات دوستان- جشن‌های ملی-شهری(چهارشنبه سوری، فعالیت‌های انتخاباتی، جشن‌های ورزشی و...) -پیاپاده‌روی‌های گروهی-ورزش‌های گروهی و خانوادگی	اجتماعی	
۱,۲۱	فعالیت کاری-عبور و مرور هدفمند-عبور و انتظار مراجعین بیمارستان	اجباری	
۱۱,۷۴	باغات- نهر اعظم- رودخانه خشک-ارتفاعات شمال محور	بستر طبیعی	کالبد
۱۷,۸۱	خیابان-بناهای ریزدانه-هتل چمران- بیمارستان- جداره‌ها- فواره و آب- نماها(عنصر آب)-المان‌های معماری-مبلمان شهری	بستر مصنوع	
۱۷	یادآوری هویت سبز شیراز- فرهنگ دوستی شیراز-فروش آش- فروش گل در کنار خیابان- بوی بهارنارنج-ایمنی و امنیت-پویایی اجتماعی-خاطرات شخصی(نوستالژی)	تداعی معانی	معنا
۱۳,۹۷	نشانه‌های شهری- بناهای شاخص- لبه‌ها مانند لبه رودخانه خشک- کناره آب‌نماها- چشم‌انداز به باغات- کوچه باغ‌های چمران	برانگیختگی	



تصویر 6. نمودار دایره ای و تحلیل اسپایدر اهمیت

حوزه‌ها و معیارهای شکل‌گیری و حفظ هویت و خاطره در محور چمران

چهار دسته راهکار طراحی شهری و معماری، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری، برنامه ریزی زمین و اقدامات ترافیکی تعریف شدند که پیشنهادات کاربران که برخی نیز در قالب پاسخ سوالات باز مطرح شده بود در قالب جدول شماره 2 و تصویر شماره 7 آمده است.

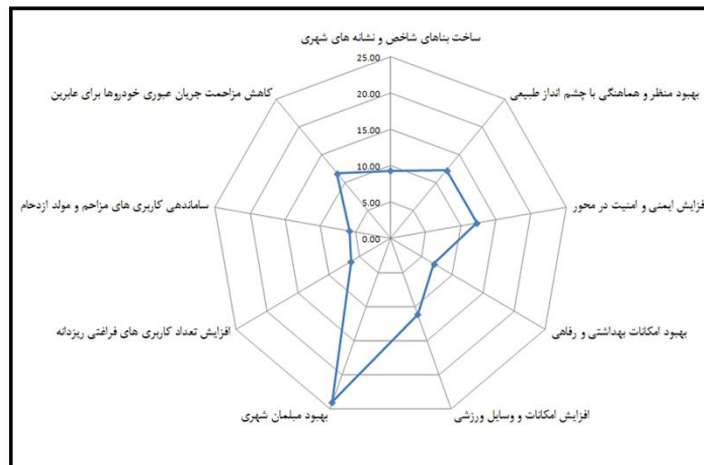
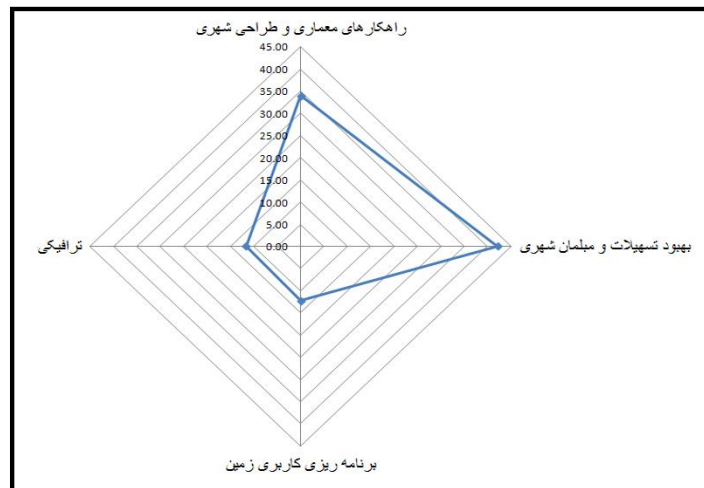
از نظر سرزندگی و امکان خلق خاطره و هویت، محدوده هتل چمران تا بیمارستان چمران از نظر کاربران مطلوب ترین بخش با بیشترین مراجعه معرفی شده است.

## 2.5. پیشنهادات کاربران در جهت تقویت فضا

تصویر 7. نمودار گرافیکی درصد اهمیت راهکارها و

در جهت تبیین راهکارهای کالبدی ارتقای سرزندگی محور چمران و کیفیت فضاها از طریق اقدامات آینده،

پیشنهادات بهبود محور چمران





نوع راهکار	درصد	پیشنهاد	درصد
راهکارهای معماری و طراحی شهری	۳۳.۹۲	ساخت بناهای شاخص و نشانه های شهری	۹.۳۶
		بهبود منظر و هماهنگی با چشم انداز طبیعی	۱۲.۲۸
		افزایش ایمنی و امنیت در محور	۱۲.۲۸
بهبود تسهیلات و مبلمان شهری	۴۲.۱۱	بهبود امکانات بهداشتی و رفاهی	۷.۰۲
		افزایش امکانات و وسایل ورزشی	۱۱.۱۱
		بهبود مبلمان شهری	۲۳.۹۸
برنامه ریزی کاربری زمین	۱۲.۲۸	افزایش تعداد کاربری های فراغتی ریزدانه	۶.۴۳
		ساماندهی کاربری های مزاحم و مولد ازدحام	۵.۸۵
ترافیکی	۱۱.۷۰	کاهش مزاحمت جریان عبوری خودروها برای عابرین و تاکید بر پیاده مداری	۱۱.۷۰

بسیاری طرح ها و برنامه های شهری برنامه ریزان و

طراحان توجهی به مساله خاطره شهری و حافظه جمعی

جدول 2: اهمیت نسبی راهکارها و پیشنهادات بهبود محور

چمران از دید کاربران

ندارند. شاید بتوان تفاوت مداخلات شهری با رویکرد بی

توجه به عامل خاطره و رویکرد مشارکتی هویت و

خاطره-مبنا را به اختلاف رویکرد روانپزشکان و

روانکاوان در برخورد با مشکلات ذهن و روان آدمی

تشبیه کرد. با این که مداخله عام و بدون نگاه به دیالوگ

شهر و خاطره با سرعت بیشتر و همراه با پیچیدگی کمتر

است، اما همانطور که ذکر شد می تواند موجب آسیب به

میراث خاطره شهر شود که حاصل تجمع لایه های متعدد

## 6. بحث و نتیجه گیری

هرچند تا کنون نقدهای بسیاری به رویکرد مدرنیسم در

یکسان انگاری مساله سکونتگاه های انسانی شده و در

حوزه مطالعات شهری پژوهش های گسترده ای در زمینه

ارتباط زندگی شهری با مساله خاطره، هویت و ریشه

های زمانی-مکانی سکونت صورت گرفته است، اما در



مدیران شهری و برنامه ریزان توسعه پوشیده باشد، آشکار شود. این رویکرد مشارکتی با تاکید بر هویت محیط و حیات شهری در افزایش سرزندگی، روندی زمانبر و نیازمند توجه و مطالعات گسترده و مشارکت جویی وسیع از کاربران فضاها و بافت های شهری است که بر سیاست ها و اقدامات چند وجهی و جامع نگر با افزایش تعاملات اجتماعی و معنابخش به محیط از طریق خود شهروندان تاکید دارد و با استفاده از تفاوت خوانش ها و تکثر سلائق موجب افزایش پایداری اجتماعی و محلی می شود. پایداری ای که حاصل فعال شدن پتانسیل ها، حفظ ایجاد بستر های خلق خاطره و تجربیات شهری است.

نتایج پژوهش حاضر در محدوده مطالعه، نشان می دهد که حوزه های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و همین امر اهمیت برنامه ریزی در جهت ارتقای فعالیت های تفریحی و اجتماعی را نشان می دهد. برنامه ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل گیری فعالیت های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط های شهری شود.

#### منابع

ناشی از زندگی هر روزه نسل های متمدنی در فضاها و محیط های شهری است.

بنا به مطالعات انجام پذیرفته، سه حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنای شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهروندان، زمینه های شکل گیری هویت و خاطره و ایجاد سرزندگی در محیط های شهری است. هرگونه اقدامی در زمینه ارتقای کیفیت فضاها و افزایش سرزندگی باید در جهت تعادل بخشی بین این سه حوزه و شاخص سازی محدوده مورد نظر صورت گیرد. در رابطه با ایجاد شناخت مورد نظر مطالعه ریخت شناسی عناصر کالبدی، نماها و خط آسمان، کیفیت فضاها، شهری، لبه های خیابان ها، نشانه های شهری، یادمان ها، مجسمه ها و گرافیتی ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با محیط مصنوع، تقویت فعالیت های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان های سوم چون کافه ها و رستوران ها، گالری ها، فرهنگ سراها، تاکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و تاکید بر هویت، خاطره و معنای محیط های شهری بایستی مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

استفاده از نظر کاربران فضا و مشارکت مردمی در مطالعه کیفیت محیط های شهری، موجب می شود تا ارزش های هویتی و میراث خاطره شهروندان که ممکن است از دید

- اورکاد، برنار (1375). شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا پهلوی، در تهران پایتخت دویست ساله: زیر نظر شهیار عدل و برنار اورکاد، انجمن ایران شناسی فرانسه، صص 231-249.
- حبیب، فرح، نادری، سید مجید و فروزانگهر، حمیده (1387). پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره 3، صص 13-23.
- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (1389). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره 6، صص 63-74.
- گلکار، کورش (1386). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، نشریه صفا، سال شانزدهم، شماره 44، صص 66-75.
- سلطانی، علی و نامداریان، احمدعلی (1389). بررسی تاثیر نیروهای مختلف در شکل گیری فضای شهری، نشریه هویت شهر، شماره 7، صص 123-130.
- سلطانی، علی و نامداریان، احمدعلی (1390). تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین. پارادایم ارتباط، نشریه باغ نظر، شماره 18، صص 3-12.
- لطفی، سهند (1390). بازآفرینی شهری فرهنگ مینا: تاملی بر بن مایه های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 45، صص 47-60.
- میرمقتدایی، مهتا (1388). معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر - مطالعه موردی شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 37، صص 5-16.
- Assmann, A. and Conrad, S. (2010). *Memory in a global age: Discourses, Practices and Trajectories*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Balsas, C.J.T. (2004). *Measuring the Livability of an Urban Centre: An exploratory study of key performance Indicators*. *Planning, Practice and Research (JPPR)*, Vol.19, No.1, pp.101-110.
- Benjamin, W. (1999). *The Arcades Project*, trans. Eiland, H. and McLaughlin, K., Cambridge, MA: Belknap Press.
- Busa, A. (2010). *City of Memory*, in: *Encyclopedia of urban studies*, Ray Huchison (ed.), SAGE Publications, pp. 160-158.
- Canter, D.V. (1977). *The Psychology of Place*, London: The Architecture Press.
- Crinson, M. (2005). *Urban Memory: History and Amnesia in the Modern City*, New York: Rutledge.
- Derrida, J. (1994). *Specters of Marx: The State of the Dept, The work of Mourning and The New International*, Peggy Kamuf (trans.), London and New York: Routledge.
- Freud, S. (1989[1930]). *Civilization and Its Discontent*, trans. Gay, P., New York: Norton.
- Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*, Van Nostrad Reinhold Press, pp. 1-10.

- Planning, Practice & Research, Vol.18, No.4, pp. 293-306.
- Mumford, L. (1981). *The Culture of Cities*, Westport, CT: Greenwood Press.
- O'Donnell, M.O. (2008), *Urban Cultural Landscapes and The Spirit of Place*, ICOMOS, Quebec: 77-hFCw-13.doc.
- Rossi, A. (1984). *The Architecture of the City*, Cambridge: MIT Press.
- Sime, J.D. (1995). *Creating Places or Design Spaces*. In: L.N. Groat (Ed.): *Giving Places Meaning*, London: Academic Press, pp. 27-41.
- Sternberg, E. (2000). *An Integrative Theory of Urban Design*, *Journal of American Planning Association (JAPA)*, Vol.66, No.3, pp.265-278.
- Groat, L.N. (2000). *Civic Meaning: The role of place, typology and design values in urbanism*, *Carolina Planning*, Vol.25, No.1, pp.13-25.
- Hurley, A. (2010). *Beyond Preservation: Using Public History to Revitalize Inner-Cities*, Philadelphia: Temple University Press.
- Huysen, A. (1997). *The Voids of Berlin*, *Cultural Inquiry*, Vol.24, No.1, pp. 58-81.
- Huysen, A. (2003). *Present Pasts: Urban palimpsest and the politics of memory*, Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- INHERIT (2007). *Investing in Heritage: A guide to successful Urban Regeneration*, INHERIT Partner Organization, European Association of Historic Towns and Regions(EAHTR).
- Ladd, B. (1997). *The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, Oxford, UK: Blackwell.
- Lynch, K. (1998), *Good City Form*, Cambridge, Massachusetts and London: The MIT Press.
- Montgomery, J. (1998). *Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design*, *Journal of Urban Design(JUD)*, Vol.3, No.1, pp.93-116
- Montgomery, J. (2003). *Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualizing cultural quarters*,

of the traditions, memories and historicity held of them. Social interaction connects public space to physical security. Many public realms in the city are time-dependent in their nature. During the daytime, market squares, parks and streets might be magnetic and inclusive urban areas, but during the nighttime they may turn into urban areas of fear. The urban landscape is something that we see, but it is also something that is produced by stories. There are many aesthetic, economic, emotional and nostalgic ties to the urban environment. Many meanings of signs and symbols are part of our history and identity. Human behaviour in urban space is influenced by subjective knowledge of the environment. It is possible to transfer this knowledge using such kinds of materials as novels, diaries, biographies, poems, photographs, paintings and films. These sources of material help to understand the deep, subjective and complex relationships between individuals, groups, places and landscapes.

In this study, the *Chamran Street* in *Shiraz* was selected as the study area. Then the environmental factors affecting users in the form of memories were collected and analyzed. The reason of choosing *Chamran* was due to its importance in current and future urban identity of *Shiraz*, its dynamism, diversity of functions and activities, and its role on increasing urban vitality. The results indicated that activity and meaning are two more important factors those physical elements, so more attention is required to pay on these two via improving social-recreational activities. Any effort to improve physical environment should be accomplished with enriching diverse activities and empowering urban image and legibility for users. This would lead to enriching identity, collective memories, and livability.

**Keywords:** Urban Space, Collective Memories, Environmental Image, Livability, Shiraz

## Formation, Strengthening and Memory Stability in Urban Spaces, Case-based Example of *Shiraz* *Chamran Street*

Dr. Ali Soltani<sup>1</sup>, Ebrahim Zargari Marandi<sup>2</sup>,  
Ahmad Ali Namdarian<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor in the Faculty of Art  
and Architecture, Shiraz University, Shiraz,  
Iran.

Email: [soltani@shirazu.ac.ir](mailto:soltani@shirazu.ac.ir) (corresponding  
author)

<sup>2</sup> PhD Candidate in Urban Planning,  
University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Postgraduate in Urban Design, Isfahan  
University of Art, Isfahan, Iran.

### ABSTRACT

Every-day life of city residents includes a range of communication and social interactions. The size, density, and configuration of urban physical environment affect the psychological and social experiences and behaviors of urban dwellers. Citizens' familiarity with the location of residences is a result of education and experience, thus having different sense of place among people living in different cities is a result of different experience too. This paper aims to address the relationship between the accumulation of memories and perceptions on quality, image and vitality to the citizens. From this, managers, planners, urban designers and policy makers can be effective in improving the communication of citizens with their residence environment through participation of space users in formulating future development visions.

As a geographical community, public space has a certain location in the urban structure. As a social community, public space is a meeting place for different purposes. Central to the notion of public space are its claims to be democratic and accessible. The meaning of places is defined through their identity and more specifically through the harnessing